

خمس غنايم

اسحاق دبيري (رحمه الله)

عنوان کتاب:	خمس غنائیم
تألیف:	اسحاق دبیری
موضوع:	پاسخ به شبهات و نقد کتابها
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	خرداد (جوزا) ۱۳۹۵ شمسی، شعبان ۱۴۳۷ هجری
منبع:	سایت عقیده www.aqeedeh.com



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

فهرست

- ۳ خمس غنائم
- ۳ قاعده کلی در ثبوت اساس عبادات
- ۴ مقارنه بین زکات و خمس دارائی
- ۵ خمس اموال اصل و اساسی در قرآن ندارد
- ۶ خمس غنائم نه خمس اموال
- ۷ بدعتی که در دین وجود ندارد
- ۸ فقیه بدون دلیل شرعی خمس را دریافت می کند
- ۱۱ خلاصه

خمس غنائم

بسم الله والحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله و على اله و صحبه و من
والاه و بعد

بعضی از مسلمانان خمس اموال، املاک و سود تجارت و مکاسبشان را به عنوان
فرض شرعی به فقهاء می دهند و معتقدند هر کس آنرا پرداخت نکند فاسق، و منکر آن
کافر است.

آیا این امر دارای استناد شرعی معتبری است یا اینکه سخنی بی اساس و جز شبهه
برخواسته از هوای بشر چیزی دیگری نیست. آیا آیه ۴۱ سوره انفال درباره خمس
مکاسب است یا درباره خمس غنائم.

قاعده کلی در ثبوت اساس عبادات

اساس تمام عبادتها با قول صریح آیات محکم قرآن که مجالی برای انکار یا تأویل
ندارند ثابت می شوند و منکر آنها کافر است زیرا عملاً قرآن را انکار نموده و انکار قرآن
کفر است.

و هرگز هیچ عبادتی با آیه متشابهی بیان نشده است که چند معنا را برساند و تأویل و
تفسیر آن به چند وجه ممکن باشد. والا خداوند در آن واحدی ما را از امری نهی می کند
و دوباره آن را بر ما واجب می گرداند. یقیناً خداوند ما را از اتباع متشابه نهی می کند و
می فرماید:

﴿ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ
مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ﴾ [ال عمران: ۷]

«او کسی است که کتاب را که شامل آیات محکم که محور کتاب هستند و آیات متشابه بر شما نازل کرد. ولی کسانی که در دل آنها انحراف وجود دارد از آیات متشابه تبعیت می‌کنند».

یعنی او برای هر عبادتی دلیلی قطعی و صریح از آیات محکم بیان کرده است و جائز نیست عبادتی را از آیات متشابه استنباط کنیم.

دلیل نماز، روزه، زکات، حج، جهاد و عبادات دیگر امثال آنها با آیات صریح و قاطع بیان شده است و نیازمند تأویل و تفسیر هیچ عالمی یا توضیح روایتی جز در فرعیات نیستند.

برای مثال بحث زکات را به میان می‌آوریم که با خمس درآمد تشابه دارد.

مقایسه بین زکات و خمس دارائی

توجه کنید چند آیه محکم و صریح در قرآن درباره زکات وجود دارند که بحث خمس درآمدها در مقابل آن چیزی به حساب نمی‌آید. مثلاً مردی خانه، اتومبیل و باغی دارد که قیمت همه ده میلیون دینار بوده و مبلغ یک میلیون دینار پول نقد نیز دارد او باید خمس آنها را که معادل ۲۴۸ برابر زکات است بپردازد چون خانه، اتومبیل و باغ زکات ندارند ولی خمس شامل همه می‌شود.

این را نیز می‌دانیم مبلغ خمس تنها در یک جهت صرف می‌شود ولی زکات علی‌رغم کمی آن در بین هشت صنف مذکور در آیه ۶۰ سوره توبه تقسیم می‌گردد. و در قرآن حتی یک آیه یافت نمی‌شود که تصریح به خمس اموال کرده باشد ولی دهها آیه صراحتاً از زکات نام برده‌اند از جمله:

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾ [البقرة: ۴۳]

«نماز را برپادارید و زکات را بپردازید».

﴿ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ ﴾

[الاعراف: ۱۵۶]

«و رحمت من شامل همه چیز است پس آنرا برای کسانی قرار می‌دهم که پرهیزگارند و زکات را می‌پردازند».

﴿...وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ ﴿٦﴾ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ... ﴾ [فصلت: ۶، ۷]

«وای بر مشرکان آنانی که زکات را نمی‌پردازند».

و دهها آیه دیگر که جهت اختصار آنها را ذکر نکردیم.

خمس اموال اصل و اساسی در قرآن ندارد

حتی یک آیه که تصریح به خمس اموال کرده باشد وجود ندارد. و آیه‌ای که لفظ خمس در آن ذکر شده است ربطی به خمس اموال ندارد بلکه در مورد خمس غنائم جنگی است. از طرف دیگر در بین شش جهتی که خداوند امر کرده است که خمس غنائم به آنها پرداخته شود اسمی از فقیه برده نشده است. و کسی که به آن احتجاج کند جز لفظ خمس چیزی را نمی‌یابد لذا استناد به این آیه سودی ندارد زیرا این آیه درباره غنائم جنگی است.

پس خمس اموال چون اصل و اساسی در قرآن ندارد خودبخود ساقط است. اما روایات و فتوی در مورد این موضوع مهم که مبنایی در قرآن ندارد بی‌فایده است چون این روایات زمانی معتبرند که اصل خمس در قرآن آمده باشد. و این روایات آنرا تأکید کنند یا فرعیات آنرا توضیح دهند.

خمس غنائم نه خمس اموال

سوره انفال کلاً درباره جنگ بدر نازل شد که برخی از آیات آن در جواب سؤال مسلمانان در مورد شیوه تقسیم انفال است. بنابراین آیه خمس در این سوره واقع شده است.

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ﴾ [الانفال: ۱]

«درباره انفال از تو سؤال می کنند».

که در جواب این آیه نازل شد.

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ

وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا

يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّلَاقِ الْجُمُعَانَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤١﴾ [الانفال: ۴۱]

«بدانید همه غنائمی را که بدست می آورید یک پنجم آن متعلق به خدا و پیامبر و خویشاوندان (پیامبر) و یتیمان و مستمندان و واماندگان در راه است. اگر به خدا و بدانچه بر بنده خود در روز جدایی (جنگ بدر) نازل کردیم ایمان دارید. روزی که دو گروه (مسلمانان و مشرکین) رویاروی شدند و خداوند بر همه چیز توانا است».

پس منظور از خمس، خمس غنائم است چون می فرماید:

أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ

و منظور خمس اموال نیست چون نامی از آن برده نشده است. لذا نباید آنرا به چیز

دیگر تاویل کرد. همانطور که در آیه ۲۶۷ بقره می فرماید:

﴿أَنْفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ﴾ [البقرة: ۲۶۷]

«ای کسانی که ایمان آورده اید از آنچه بدست می آورید انفاق کنید».

و نفرموده است: «انفقوا من طيبات ماغنمتم».

تعریف غنائم: اموال منقولی که در جنگ با کفاری که قتال با آنان جائز است، گرفته شده است. (منهاج الصالحین خوئی ۳۲۵/۱)

امام صادق می‌گوید: «خمس جز در غنائم جائز نیست. (لااستبصار طوسی ۵۷/۲) پس آیه فوق ربطی به اموال، اثاث منزل، درآمد، منازل و اموال مورد نیاز مسلمانان ندارد زیرا اینها جزو غنائم نیستند.

بدعتی که در دین وجود ندارد

دلیل دیگر بطلان خمس اموال مسلمانان، عملی نشدن آن در زمان پیامبر ﷺ و خلفاء بعد از او است. چون اثری در کتب حدیث، تاریخ و سیره از پیامبر ﷺ درباره خمس اموال، درآمد و ... و یا اینکه پیامبر خمس مسکن، اثاث منزل و ... یک مسلمان را حساب کرده باشد تا خمس آنها را بگیرد نقل نشده است. و همچنین منقول نیست که پیامبر عاملین جمع خمس را به قبائل و شهرهای مسلمین بفرستد تا خمس اموال را جمع کنند در حالی که در مورد زکات این چنین بوده است.

و در زمان خلافت امام علی رضی الله عنه نقل نشده است که ایشان عاملین خمس را به بازار یا منازل مردم کوفه بفرستد تا خمس اموالشان را جمع کند و یا از فرماندار شهرها بخواهد خمس اموال مردم را جمع کنند.

و حتی ذکر نشده است که قبل از خلافتش خمس مال را از کسی دریافت نموده باشد. و یا کسی خمس اموال را به خلفاء بنی عباس پرداخت کرده باشد با وجود اینکه آنها از بنی هاشم بودند و بدون اختلاف بین علماء خمس غنائم به آنها می‌رسد. پس اگر خمس اموال مشروع بود همه افراد مذکور و در رأس آنها پیامبر ﷺ آنرا ترک نمی‌کردند.

فقیه بدون دلیل شرعی خمس را دریافت می‌کند

فقیه به چند دلیل زیر نباید خمس اموال را از مردم دریافت کند.

- ۱- در قرآن ذکر نشده است.
 - ۲- در شش جهتی که خمس غنائم در آنها صرف می‌شود اسمی از فقیه نیامده است.
 - ۳- در روایات بطور صریح ذکر نشده است.
 - ۴- فقهاء قدیمی و معتبر از جمله شیخ مفید (ت ۴۱۳ هـ) یا شریف رضی (ت ۴۳۶ هـ) یا طوسی شیخ الطائفه (ت ۴۶ هـ) به آن اشاره نکرده‌اند.
- بلکه این موضوع بنابر فتواهای مختلف از برخی فقهاء متأخر قیاس بر امام و بدون استناد به هر دلیل دیگری و به عنوان حکم شرعی نقل شده است در حالی که مشروعیت خمس با دلیل معتبر ثابت نیست.
- باران ابتدا یک قطره است و سپس زیاد می‌شود. اولین فتوی در مورد تسلیم خمس به فقیه بعد از مدت طولانی از غیبت امام ظاهر شد و در ابتدا به صورت امانتی در دست فقیه قرار می‌گرفت و حق تصرف در آن را نداشت تا اینکه مالکش پیدا شود چون تصرف در مال غیر بدون اجازه جائز نیست.
- شیخ مفید می‌گوید: «خمس حق غائبی است که قبل از غیبتش چیزی از او به جای نمانده است تا به آن اکتفا شود. پس باید تا هنگام بازگشتش آن را حفظ کرد. (المغنمه / ۴۶) شیخ مفید نامی از فقیه نبرده بلکه دفن یا ایصاء به آن را بطور مطلق بدون نام فقیه ذکر کرده است.
- علی‌رغم اینکه این فتوی مخالفانی دارد که خلاف آن فتوی داده و وجوب خمس را از مکلفین ساقط نموده‌اند. ولی این فتوی موجب بسیاری از کارهای متفاوت در طول تاریخ شده است.

اما بعد از استقراء روایات نتایج عجیب گرفته شده است که به آن اشاره می‌کنیم.

- ۱- روایات عدیده‌ای از ائمه تکلیف دفع خمس را از صاحب مال ساقط می‌کنند و عدم پرداخت آنرا برای صاحب مال مباح می‌دانند خصوصاً در حال غیبت.
- ۲- حتی یک روایت ضعیف از مصادر معتبر چهارگانه (کافی، من لایحضره الفقیه، استبصار، تهذیب) نیافتیم که دریافت خمس را برای فقیه جائز بدانند.
- ۳- این روایات عدیده بر کسی واجب نمی‌گردانند خمس را به امام حاضر و ظاهر پردازند پس به طریق اولی پرداخت آن به فقیه در حال غیبت واجب نیست.
- بعضی از این روایات عبارتند از:

(الف) از ابی‌عبدالله علیه السلام روایات شده است. در حالیکه یکی از پیروانش مالی را برایش آورد، آنرا به او پس داد و گفت: این مال برای تو پاک و حلال است و هر چیزی که در دست پیروان ما روی زمین است برای آنان حلال است تا روزی که امام ظاهر شود. (اصول کافی کلینی ۴۰۸/۱)

(ب) یونس بن یعقوب گفت: نزد ابوعبدالله علیه السلام بودم که مردی بر او وارد شد و گفت: آنچه در دست ماست از اموال و درآمد و تجارت فدای تو باد که می‌دانیم شما در آن حق داری و ما در این زمینه کوتاهی کرده‌ایم. امام علیه السلام فرمودند: امروز منصفانه نیست شما را به آن مکلف کنیم. (من لایحضره الفقیه قمی ۲۳/۲)

(ج) ابوجعفر می‌گوید: «هر کس به چیزی از حق من نیازمند شد برایش حلال است. (مصدر سابق)

(د) ابوعبدالله علیه السلام می‌گوید: «هر چه مال ماست متعلق به پیروان ماست». (اصول کافی ۴۰۹/۱)

بسیاری از فقهاء متقدم و متأخر براساس این روایات خمس اموال را واجب نمی‌دانند از جمله علامه اردبیلی (ت ۹۹۳) که یکی از فقهاء بارز عصر خود بود و ملقب به فقیه مقدس شد. او می‌گوید: «بدان که اخبار عمومی دال بر عدم وجوب (خمس) در زمان غیبت و حضور است ولی ایصال آن در زمان ظهور مستحب است و جز عده کمی آنرا

واجب نمی‌دانند چون دلیلی بر وجوب خمس در غیر غنیمت نیست. (مجمع الفائدة و البرهان ۳۵۵/۴)

محمدباقر سبزواری (ت ۱۰۹۰ هـ) می‌گوید: «از اخبار فراوانی درباره درآمدها آمده است که خمس برای شیعه‌ها مباح است. (دخیره المعاد ۲۹۲) و همچنین شیخ محمد حسن نجفی (ت ۱۲۶۶ هـ) «جواهر الکلام» (۱۴۱/۱۶).

سید علی طباطبائی (ت ۱۰۰۹ هـ) «مدارک الاحکام» (ص ۳۴۴)

و فقهای متأخرین مانند: دکتر موسی موسوی و استاد احمد کاتب.

اما برخی فقهاء متأخر بر روایات ساختگی اعتماد کرده‌اند علت ساختگی بودنشان نبودن آنها در مصادر قدیمی و معتمد است. یعنی بعد از این منابع و به خاطر الزام مردم به پرداختن خمس وضع شده‌اند مانند این روایت که می‌گوید: «لعنت خدا و ملائکه و مردم بر کسی که یک درهم مال ما را به حرامی می‌خورد». (الخمس بین السائل و المجیب لمحمد الصدر / ص ۳).

یا این روایت: «هرکس چیزی از مال ما را بخورد همانا شکمش را پر از آتش می‌کند و در آتش جهنم می‌سوزد». (مصدر سابق)

یا اینکه روایات مباح بودن خمس را ناقص می‌کنند و از آن برای وجوب خمس استفاده می‌نمایند.

از ابو عبدالله علیه السلام روایت شده است که گفت: «آیا می‌دانی از چه طریق زنا وارد مردم شد. گفتم نمی‌دانم گفت: از طریق خمس اهل بیت» (مصدر سابق) ولی آخر روایت را حذف کرده‌اند که می‌گوید: جز پیروان پاک ما که خمس بر آنها به علت بدنیا آمدنشان حلال است. (اصول کافی ۵۴۶/۱)

زیرا اگر این روایات را قطع نکنند نمی‌توانند بر وجوب اداء خمس اموال دلیل بیاورند. پس دقت کنید و اگر می‌خواهید مطمئن شوید به مصادر مذکور مراجعه کنید تا حقیقت را عیناً ببینید.

خلاصه

همانا دلیلی شرعی بر پرداخت خمس به فقهاء وجود ندارد و جزو مذهب اهل بیت نیست بلکه فقیهی که از طریق خمس، اموال مردم را تصرف می کند علی رغم مخالفتشان با قرآن و سنت پیامبر ﷺ مخالف مذهب اهل بیت ﷺ نیز هستند.

﴿ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرًا لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ﴾ [ق: ۳۷]

[۳۷]

صدق الله العلیّ العظیم و صلی الله علی نبینا محمد و علی آله و صحابته
الکرام و سلم تسلیماً کثیراً.

نقل از کتاب: «الخمس بین الفریضة الشرعیة و الضریبه المالیه» مؤلف: سید علاء عباس
موسوی، با تلخیص و تصرف.